

<http://doi.org/10.22133/mtlj.2023.416097.1246>

The Elderly and the Right to Digital Literacy, on the Base of the Recommendation of the UN on the Age of Digital Interdependence

Najmeh Razmkhah

Assistant Prof. Faculty of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Article Info

Original Article

Received:
13-09-2023

Accepted:
04-11-2023

Keywords:

Older Persons

Ageism

Digital Literacy

Digital Divide

Abstract

The number of elderly people in the world is increasing. According to the World Population Prospects, by 2050, one in six people worldwide will be over 65. At the same time, the world has witnessed the increasing development of digital technology. This process has raised various concerns by human rights activists regarding the existence of bias and prejudices against the capabilities of older adults and, as a result, the lack of attention to their needs in digital literacy. On the other hand, the right to digital literacy has not been explicitly discussed in the framework of international human rights. In this regard, the Secretary General of the United Nations proposed preparing regulations to determine governments' obligations in the digital field. This proposal led to the presentation of the United Nations' recommendations in the age of digital interdependence. Which, despite the existence of some shortcomings, contains the international obligations of governments in the control and monitoring of digital technology. The main subject of this research is to investigate the attention of the recommendation to the right of the elderly to acquire digital literacy and reduce the digital divide in societies. This study used the analytical-descriptive method, using library and internet resources. The findings of this research show that due to the lack of clarity in referring to the right of the elderly to have digital literacy as an independent human right and also emphasising the need for public access to digital services, regardless of different economic and social conditions of the countries and presenting a proposal for the sharing of digital goods, irrespective of the intellectual property rights of the creators of these types of goods, the recommendation would not be successful in achieving its goals.

*Corresponding author

e-mail: razmkhah@pnu.ac.ir

How to Cite:

Razmkhah, N. (2024). The Elderly and the Right to Digital Literacy, on the Base of the Recommendation of the UN on the Age of Digital Interdependence. *Modern Technologies Law*, 5(9), 133-153.

Published by University of Science and Culture <https://www.usc.ac.ir>

Online ISSN: 2783-3836



سالمندان و حق بر سواد دیجیتال از منظر «توصیه‌های سازمان ملل متحد در عصر وابستگی دیجیتال»

نجمه رزمخواه

استادیار، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳	
واژگان کلیدی: سالمندان سن‌گرایی سواد دیجیتال شکاف دیجیتال	<p>تعداد سالمندان در جهان روبه‌افزایش است. هم‌زمان دنیا شاهد توسعه روزافزون فناوری دیجیتال است، فرایندی که باعث شده فعالان حوزه حقوق بشر نگرانی‌های مختلفی را درخصوص وجود سوگیری و پیش‌داوری‌های متعصبانه درباره قابلیت‌های سالمندان و در نتیجه بی‌توجهی به نیازهای آن‌ها در بهره‌مندشدن از سواد دیجیتال مطرح کنند. همچنین در چهارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر، به‌صراحت از حق بر سواد دیجیتال صحبت نشده است. در همین راستا، دبیر کل سازمان ملل متحد پیشنهاد کرد که مقرراتی برای تعیین تعهدات دولت‌ها در حوزه دیجیتال تهیه شود. این پیشنهاد به طرح توصیه‌های سازمان ملل متحد در عصر وابستگی دیجیتال منجر شد که از تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در راستای کنترل و نظارت بر آثار فناوری دیجیتال صحبت می‌کند. موضوع اصلی پژوهش حاضر، بررسی میزان توجه مقررات توصیه‌نامه به حق سالمندان در کسب سواد دیجیتال و همچنین کاهش شکاف دیجیتال در جوامع است. این مطالعه به روش تحلیلی-توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که به‌دلیل فقدان صراحت در اشاره به حق سالمندان بر داشتن سواد دیجیتال، به‌عنوان یک حق مستقل بشری، و همچنین تأکید بر لزوم دسترسی عموم به خدمات دیجیتال بدون توجه به شرایط متفاوت اقتصادی و اجتماعی کشورها و البته ارائه پیشنهاد در راستای به‌اشتراک‌گذاری کالاهای دیجیتال، بدون توجه به حق مالکیت فکری پدیدآورندگان این نوع کالاها، توصیه‌نامه در صورت تصویب با این وضعیت به‌هیچ‌وجه در اجرای رسالت خود در تأمین و اجرای حق بر سواد دیجیتال و کاهش شکاف دیجیتال موفق نخواهد بود.</p>
*نویسنده مسئول رایانامه: razmkhah@pnu.ac.ir	
نحوه استناددهی: رزمخواه، نجمه (۱۴۰۳). سالمندان و حق بر سواد دیجیتال از منظر «توصیه‌های سازمان ملل متحد در عصر وابستگی دیجیتال». حقوق فناوری‌های نوین، ۵(۹)، ۱۳۳-۱۵۳.	
ناشر: دانشگاه علم و فرهنگ https://www.usc.ac.ir شاپای الکترونیکی: ۲۷۸۳-۳۸۳۶	

مقدمه

جمعیت جهان بسیار سریع‌تر از گذشته در حال پیرشدن است. طبق آمار منتشر شده در سال ۲۰۱۹، تا سال ۲۰۵۰ به‌ازای هر شش نفر در جهان، یک نفر بالای ۶۵ سال خواهد بود. در حالی که این نسبت در سال ۲۰۱۹، یک در یازده بوده است.^۱ در حال حاضر، بیش از ۵ میلیارد نفر از گوشی تلفن همراه استفاده می‌کنند و ۴/۱۴ میلیارد نفر در سراسر جهان در شبکه‌های اجتماعی فعال‌اند^۲؛ زیرا بخش مهمی از فعالیت‌های روزمره با کمک فناوری ارتباطات و در قالب شبکه‌های اطلاعاتی سازمان‌دهی شده‌اند؛ بنابراین دسترسی و بهره‌مندی از مهارت‌های دیجیتال برای هریک از اعضای جامعه امری گریزناپذیر است. گواه این ادعا گزارش‌های منتشر شده در دوران همه‌گیری کروناست که فناوری دیجیتال و دسترسی به اینترنت به افراد این امکان را داد که ضمن برقراری تماس با عزیزان خود، به شیوه‌های مختلف بتوانند همراه با کاهش آثار نامطلوب قرنطینه، امکان حضور فعال در بازار کار، آموزش و همچنین حوزه سلامت را داشته باشند (Formosa, 2019, p. 84)، تجربه‌ای که اهمیت داشتن سواد و مهارت دیجیتال را دوچندان می‌کند؛ زیرا فقدان بهره‌مندی از این مهارت می‌تواند به حذف فرد از جامعه و روابط فعال اجتماعی - اقتصادی منجر شود، شرایطی که با عنوان «شکاف دیجیتال» از آن یاد می‌شود (Villareal, 2018, p. 86). این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که به‌زعم نظریه‌پردازان دنیای دیجیتال، در حال حاضر با ظهور فناوری هوش مصنوعی جهان دچار تحولات گسترده‌ای شده است. هوش مصنوعی رایانه را قادر می‌سازد توانایی‌های ذهن انسان را تقلید کند و بر وظایفی مانند تشخیص اشیا، پردازش زبان و تصمیم‌گیری‌ها تسلط یابد. در این راستا، هوش مصنوعی با ارائه فرصت‌های جدید، ضمن بهبود شرایط حاکم بر زندگی روزمره شهروندان و تحت تأثیر قراردادن جنبه‌های مختلف دنیای مدرن، از جمله رسانه‌های دیجیتال، احساس نیاز به کسب مهارت‌های جدید در زمینه دسترسی به اطلاعات را برای سالمندان افزایش داده است؛ به‌نحوی که با تغییر مفهوم سواد دیجیتال به افزایش اهمیت لزوم آموزش همگان، به‌منظور مواجهه با چالش‌های ناشی از اتخاذ تصمیم‌های خودکار، بدون مشارکت و اطلاع شهروندان، در جامعه‌ای که از آن با عنوان جعبه سیاه^۳ یاد می‌شود منجر شده است (Rahman, 2020, p. 2)، چالشی که به‌دلیل نقش‌آفرینی فعال الگوریتم‌های^۴ هوش مصنوعی در توسعه و تحول فناوری دیجیتال مطرح شده و به‌دنبال حمایت از توسعه سواد الگوریتمی در میان شهروندان است، سواد که نه به‌منزله یک مفهوم انتزاعی، بلکه به‌منزله مفهومی پویا شرایط لازم را برای مشارکت فعال شهروندان، از جمله سالمندان در شکل‌دهی زندگی دیجیتال‌شان فراهم سازد (Drydak, 2022, p. 5).

اما در حال حاضر، بنابر گزارشی که در سال ۲۰۲۰ دانشگاه ولینگتون^۵ منتشر کرد، فارغ از موقعیت جغرافیایی محل سکونت سالمندان، حتی در کشورهای توسعه‌یافته، درصد بالایی از افراد فاقد سواد یا مهارت دیجیتال را سالمندان بالای ۶۵ سال تشکیل می‌دهند (Lips, 2020, p. 5)؛ زیرا در اغلب موارد این افراد دنیای دیجیتال را دنیایی پر از استرس دانسته‌اند و درک درستی از زبان دیجیتال نداشته‌اند، عاملی که ناخودآگاه موجب احساس ناامنی و کناره‌گیری از دنیای دیجیتال شده است، شرایطی که نگرانی‌های جدی فعالان حوزه حقوق بشر را مطرح کرده است. به‌زعم آن‌ها، وجود نگرش‌های تبعیض‌آمیز به قابلیت‌ها و توانایی‌های سالمندان و تأثیر این نگرش‌ها در طراحی و توسعه فناوری دیجیتال، به فرایند حذف و کنارگذاشتن سالمندان از زندگی فعال اجتماعی منجر می‌شود. در حالی دنیای امروز شاهد ایجاد چنین شرایطی است که حقوق ویژه سالمندان در چهارچوب نظام حقوق بین‌المللی مورد توجه بوده است. برای مثال، قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان «اصول ملل متحد برای سالمندان» با تأکید بر نظام بین‌المللی حقوق بشر و اهداف پیش‌بینی‌شده در منشور سازمان ملل متحد از دولت‌ها می‌خواهد که شرایط لازم را برای مشارکت فعال سالمندان در فرایند تدوین، تصویب و اجرای سیاست‌هایی که مستقیماً در رفاه این قشر از جامعه و برقراری ارتباط با قشر جوان جامعه مؤثر است فراهم سازند. همچنین قطعنامه بر این اعتقاد است که سالمندان با هدف حفظ استقلال فردی و

1. United Nation Department of Economic and social Affairs, 2019, p. 12

2. Global Digital Reports, 2023, p. 5

3. Black Box Society

۴. الگوریتم عبارت است از مجموعه‌ای نامتناهی (بی‌پایانی) از دستورالعمل‌ها، که به ترتیب خاصی اجرا می‌شوند و مسئله‌ای را حل می‌کنند.

5. Victoria University of Wellington

کرامت ذاتی باید از امکانات لازم در راستای دسترسی به خدمات اجتماعی بهره‌مند شوند و دولت‌ها موظف‌اند بدون اعمال هر نوع تبعیض براساس سن، شرایط لازم را برای بهره‌مند شدن شهروندان سالمند خود از کلیه حقوق بنیادین بشری، از جمله دسترسی به برنامه‌های آموزشی مناسب فراهم سازند.^۱

سالمندان باید قادر باشند در خانه‌های خود مستقل زندگی کنند و در جامعه نیز برای بهبود وضعیتشان بکوشند؛ به عبارت دیگر، جامعه مدرن امروز نیازمند تسریع و اجرای سیاست یادگیری مادام‌العمر به منظور پرورش سالمند فعال است. به همین دلیل است که از حق سالمندان به داشتن سواد دیجیتال دفاع می‌شود (Forsman, 2018, p. 333)؛ البته در هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی حقوق بشری به صراحت از این حق صحبت نشده است. شاید فاصله زمانی میان تاریخ تدوین و تصویب این اسناد و توسعه و پیشرفت فناوری دیجیتال علت اصلی باشد (Mikołajczyk, 2023, p. 421). وجود نگرانی‌هایی از این نوع در کنار فقدان مقررات بین‌المللی لازم‌الاجرا به منظور نظارت و کنترل فرایند حاکم بر طراحی، تولید و عرضه فناوری دیجیتال آنتونی گوترش^۲، دبیرکل سازمان ملل، را بر آن داشت تا با ارائه پیشنهادی در سال ۲۰۱۸، خواستار تدوین مجموعه مقررات بین‌المللی به دست کارشناسان معتمد سازمان ملل در حوزه دیجیتال شود. ماحصل این پیشنهاد در سال ۲۰۲۰، با عنوان «توصیه‌های هیئت عالی‌رتبه سازمان ملل متحد در عصر وابستگی دیجیتال»^۳ منتشر شد. طبق برنامه‌ریزی انجام شده قرار است این متن را در سال ۲۰۲۴ مجمع عمومی به تصویب رساند. پیش‌نویسی که کارشناسان ارائه کردند ضمن بیان نقطه قوت و مزایای فناوری دیجیتال در حوزه‌های مختلف از جمله آموزش، امنیت، سلامت و اقتصاد، با پذیرش چالش‌های موجود در جوامع، به دلیل رشد و توسعه سریع این فناوری دولت‌ها را متعهد به همکاری و تشریک مساعی برای حمایت و ترغیب شهروندان به استفاده از مزایای فناوری دیجیتال، در کنار حفاظت از آن‌ها در برابر آسیب‌های احتمالی می‌داند.

البته در سال‌های اخیر فناوری دیجیتال و چالش‌های مرتبط با آن، از جنبه‌های مختلف مورد توجه محققان و نویسندگان بوده است. در این راستا، پتریشین^۴ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «حقوق بشر در عصر دیجیتال: چالش‌ها، تهدیدها و چشم‌اندازها»^۵، ضمن آن‌که رشد و توسعه فناوری دیجیتال را مشخصه اصلی جوامع مدرن و محرکی برای خلق مقوله جدیدی از حقوق با عنوان حقوق بشر - حقوق دیجیتال^۶ دانسته است، به این نتیجه دست یافته که فناوری دیجیتال ضمن فراهم کردن فرصت‌های جدید و گسترده‌تر برای اعمال حقوق و آزادی‌های فردی، با خود چالش‌ها و تهدیدهای جدیدی را در فرایند تضمین اجرای حقوق بنیادین بشری، از جمله حق بر حریم خصوصی به همراه داشته است. در حوزه فناوری دیجیتال، به زبان فارسی نیز مقاله‌های مختلفی منتشر شده‌اند؛ از جمله کاظم‌پور (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «سواد دیجیتال: راهکاری برای پوشش شکاف دیجیتال و پرورش شهروند دیجیتال»، بدون اشاره به ابعاد حقوقی فناوری دیجیتال، به دنبال ارائه راهکاری با هدف کاهش شکاف دیجیتال در جامعه است. در این راستا، نویسنده به این نتیجه رسیده است که میزان تحصیلات، سن، وضعیت اقتصادی کشور و سطح آموزش جامعه از جمله عوامل مؤثر در پیدایش شکاف دیجیتال است که به زعم او می‌توان از طریق اولویت‌بندی نیازهای فناوری نواحی، آماده کردن بسترها و زمینه‌های لازم فرهنگی و اجتماعی و همچنین طراحی برنامه‌های جامع آموزشی در راستای کاهش میزان شکاف دیجیتال در جوامع گام برداشت. همچنین معینی‌فر (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «الزامات شناسایی و استیفای حقوق در فضای دیجیتال» از اهمیت تأمین و اجرای حقوق شهروندان در فرایند استفاده از فناوری دیجیتال صحبت کرده است. در این مقاله، نویسنده معتقد است که رشد و توسعه این فناوری ضمن ایجاد تحول در زیست بشری می‌تواند به نقض برخی از حقوق شهروندان منجر شود و در ادامه نتیجه می‌گیرد که شهروند دیجیتال باید از حقوق خود در فضای دیجیتال آگاه باشد و دولت موظف است که ضمن برقراری شرایط لازم برای فعالیت هرچه بیشتر شهروندان در فضای دیجیتال،

1. UN Principles for Older Persons, UN General Assembly, 1991, Para. 4-16

2. Antonio Guterres

3. Recommendation of the UN Secretary-General's High-level Panel on the Age of Digital Interdependence.

4. Petryshyn

5. Human Rights in the Digital Age: Challenges, Threats and Prospects

6. Human Rights-Digital Rights

امنیت و شفافیت را به منظور استیفای حق‌ها در فضای دیجیتال فراهم سازد. البته در هیچ‌یک از مقاله‌های فوق، به‌صراحت از وجود حق بر سواد دیجیتال در حکم یک حق مستقل بشری دفاع نشده است. همچنین به چالش‌های قشر خاصی از جامعه، در این مورد، سالمندان در عصر دیجیتال پرداخته نشده و اسناد بین‌المللی موجود در حوزه دیجیتال، به‌طور خاص، توصیه‌های هیئت عالی‌رتبه سازمان ملل متحد در عصر وابستگی دیجیتال، بررسی و تحلیل نشده است. بنابراین، به دلیل اهمیت فناوری دیجیتال در زندگی روزمره مردم، از جمله قشر سالمند، این پژوهش برخلاف موارد یادشده، به دنبال یافتن پاسخ به سؤال اصلی در خصوص مفهوم حقوق بشری سواد دیجیتال و ابعاد حقوقی ناشی از آن است. از این پرسش، پرسش‌های فرعی متعددی به ذهن متبادر می‌شود، اما به‌منظور انطباق سؤال‌های فرعی با موضوع پژوهش، سؤال فرعی اول، موضوع جایگاه حق سالمندان بر سواد دیجیتال در توصیه‌نامه سازمان ملل متحد است و سؤال فرعی دوم، جایگاه این توصیه‌نامه در کاهش میزان شکاف دیجیتال و ارائه راهکارهای مناسب و عملی در این زمینه، با توجه به توسعه روزافزون فناوری دیجیتال است. فرضیه‌های مدنظر برای پاسخ به این سؤال‌ها عبارت‌اند از این‌که در حال حاضر در هیچ سند حقوقی، به‌صراحت از حق بر بهره‌مندشدن از سواد دیجیتال صحبت نشده است. به‌عبارت‌دیگر، در چارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر حقی با این عنوان نیامده است. در قالب مفاد متن توصیه‌نامه سازمان ملل نیز به وجود چنین حقی برای سالمندان اشاره نشده و با ارائه دستورالعمل‌ها و توصیه‌های غیرعملی و نمادین، راهکار مناسب و عملی نیز در راستای کاهش شکاف دیجیتال و بهره‌مندشدن شهروندان از جمله سالمندان از سواد دیجیتال ارائه نشده است.

به‌منظور تحلیل مطالب و بررسی فرضیه‌های مطرح‌شده، ابتدا به موضوع سواد دیجیتال پرداخته می‌شود. سپس توضیحاتی در خصوص ماهیت و محتوای متن پیش‌نویسی که هیئت عالی‌رتبه سازمان ارائه داده‌اند داده می‌شود. در ادامه چالش‌های عصر دیجیتال برای سالمندان و انتقادات و ایرادات وارد بر متن پیش‌نویس از منظر سواد دیجیتال و ابعاد مختلف آن بیان می‌شود. در پایان نیز پیشنهادهایی برای مواجهه بهتر با چالش‌های موجود ارائه می‌شود.

چارچوب نظری و مفهومی پژوهش

با توجه به اهمیت سالمندی در حوزه‌های مختلف، نظریه‌پردازان متعددی این بحث را بررسی کرده‌اند. نظریاتی که به موازات پیشرفت علم و فناوری توسعه یافته و متحول شده‌اند. به‌نظر می‌رسد بررسی نگرش‌های سالمندمحور برای اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه در حوزه سواد دیجیتال خالی از فایده نباشد. این نظریات براساس مبانی خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول، بر مبنای شخص سالمند (نظریه عدم تعهد و نظریه تداوم) و دسته دوم، بر مبنای اجتماع (نظریه فعالیت، نظریه محیط اجتماعی و نظریه مبادله) استوارند.

نظریه عدم تعهد یا عدم مشارکت الیان کامینگ^۱ و ویلیام هنری^۲ بر این اساس استوار است که فرد سالمند، با توجه به درک احساس مرگ، به‌صورت غریزی از اجتماع و فعالیت‌های اجتماعی کناره‌گیری می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، در این نظریه جامعه نقشی در منزوی کردن سالمند ندارد؛ بلکه شخص سالمند است که انگیزه‌ای برای بودن در جامعه و مشارکت فعال در امور اقتصادی و اجتماعی از خود نشان نمی‌دهد (عرب‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۴۳). براساس نظریه تداوم نیوگارتن^۳، شخصیت فرد با افزایش سن تغییر نمی‌کند؛ بنابراین اگر فرد در دوران جوانی شخصیت فعال و اجتماعی داشته باشد، در دوران سالمندی نیز همین رویه را ادامه خواهد داد. این نظریه مانند مورد اول، نقش اجتماع را در منزوی کردن سالمندان رد می‌کند. در مخالفت با این دیدگاه‌ها، نظریه‌پردازان به نقش اجتماع و تأثیر آن در سالمندان توجه کرده‌اند؛ برای مثال در نظریه فعالیت، که هویگ هرست^۴ ارائه کرده، جامعه در مشارکت نکردن سالمندان مقصر است؛ چراکه فرد با ورود به دوران سالمندی برخی از نقش‌های اجتماعی خود را از دست می‌دهد و دچار نوعی از خودبیگانگی می‌شود؛ بنابراین باید در اجتماع، عهده‌دار نقش‌های جدیدی شود (عباسی، ۱۳۹۴، ص ۲۴). نظریه محیط اجتماعی نیز بر این اساس استوار است؛ زیرا رفتار سالمند به برخی از شرایط اجتماعی وابسته است. در واقع پیش‌دوری‌ها

1. Elian Cumming
2. William Henry
3. Newgarten
4. Hugh Hearst

و اتخاذ رفتارهای مبتنی بر سوگیری در جامعه بی شک می‌تواند سالمندان را تحت تأثیر قرار دهد، نگرشی که در آن به افراد سالمند به منزله گروه اقلیت توجه می‌شود و مجبورند مجری قوانینی باشند که در مورد گروه‌های اقلیت در جامعه وجود دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در عمل به اقلیت‌ها نقاط ضعفی نسبت داده می‌شود که آثار مخربی برای فرد به دنبال دارد؛ مثلاً به قشر سالمند، فقدان تحرک، ناتوانی و فقر را نسبت می‌دهند (رفیع‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۴۶)، اما نظریه بعدی، یعنی نظریه مبادله، بر اساس تعامل دوجانبه سالمند و جامعه استوار است. جورج کاسپار هومنز^۱، نظریه پرداز این دیدگاه، معتقد است که جامعه می‌تواند در کنار نفع رساندن به این قشر، از منافع حضور آن‌ها بهره برد. بر این اساس، روابط اجتماعی متقابل میان افراد زمانی به حداکثر می‌رسد که آن‌ها احساس کنند از مناسبات موجود نفع می‌برند، نکته‌ای که دولت‌ها و جامعه بین‌المللی هنگام سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های مرتبط با سواد دیجیتال باید مدنظر قرار دهند. در واقع بدون توجه به نیازهای سالمندان و بدون فراهم کردن شرایط لازم برای کسب مهارت و سواد دیجیتال نمی‌توان از حضور فعال آن‌ها در زندگی اجتماعی صحبت کرد، اما در حال حاضر، موضوع سواد دیجیتالی سالمندان (به خصوص افراد بالای ۶۰ سال) به دلایل مختلف، از جمله عقب ماندن حقوق بین‌الملل از همراهی با تغییرات رخ داده در ساختار جمعیتی و پیشرفت سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات، آگاه نبودن دولت‌ها و جامعه بین‌المللی از نیازهای این قشر از جامعه و در اولویت قرار ندادن آن‌ها و همچنین، جایگاه مهم زبان انگلیسی در دنیای دیجیتال، که می‌تواند به منصرف شدن سالمندان غیرانگلیسی‌زبان از یادگیری مهارت‌های دیجیتال منجر شود، هنوز چندان مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار نگرفته است (Eshet, 2019, p. 179)، شرایطی که ممکن است در توانمندسازی سالمندان و نقش مؤثر آن‌ها - با توجه به افزایش جمعیت سالمند در اغلب جوامع - تأثیر منفی داشته و باعث بروز آسیب‌های جبران‌ناپذیر در جامعه شود؛ بنابراین پژوهش حاضر بر این اساس استوار است که نقش اجتماع در منزوی کردن سالمندان، به ویژه در عصر دیجیتال، کاملاً مشهود بوده و سالمندان در اغلب موارد، به دلیل وجود مشکلات اجتماعی و البته محیطی، از داشتن مهارت‌های دیجیتال محروم یا از یادگیری آن منصرف می‌شوند.

۱. کلیات و مفاهیم

۱-۱. توصیه‌های هیئت عالی رتبه سازمان ملل متحد در عصر وابستگی دیجیتال

در ژوئیه سال ۲۰۱۸، دبیرکل سازمان ملل متحد، آنتونی گوترش، هیئت عالی‌رتبه‌ای متشکل از بیست کارشناس مستقل در حوزه فناوری دیجیتال تشکیل داد. هدف از تشکیل این هیئت، ارائه پیشنهاد نقشه راه در راستای تقویت همکاری متقابل میان دولت‌ها، نهادهای غیردولتی، جامعه مدنی، سازمان‌های بین‌المللی، مؤسسات دانشگاهی و سایر ذی‌نفعان در حوزه دیجیتال بود. این هیئت گزارش نهایی خود را با عنوان «عصر وابستگی دیجیتال» در ژوئن ۲۰۲۰ ارائه کرد. در سه فصل اول این پیش‌نویس، از اهمیت تضمین دسترسی ایمن به خدمات دیجیتال، برای همه اقشار جامعه، لزوم احترام به حقوق بنیادین بشری در خلال گسترش خدمات دیجیتال و اهمیت همکاری دولت‌ها به منظور ارائه سازوکار جهانی در راستای توسعه فرایند تبادل اطلاعات و خدمات، با هدف نیل به توسعه پایدار صحبت شده است. فصل چهارم با هدف کمک به دولت‌ها برای اجرای تعهدات بیان شده در سه فصل اول، مجموعه پنج‌گانه‌ای از توصیه‌ها در قالب لزوم تأسیس نظام اقتصادی و اجتماعی فراگیر دیجیتال، ضرورت افزایش توانایی‌های فردی، محافظت از حقوق بشر، ارتقای امنیت و ثبات و همچنین ضرورت انجام همکاری متقابل در دنیای دیجیتال مطرح شده است. توصیه‌هایی که بر سه ارزش مبتنی هستند: جامع بودن، احترام، انسان‌محوری، شکوفایی انسان، شفافیت، همکاری، دسترسی، پایداری، و توازن. در مقدمه پیش‌نویس، به صراحت بر اهمیت شنیده شدن صداهای مختلف به خصوص صدای کشورهای کمتر توسعه یافته و گروه‌های به حاشیه رانده شده، از جمله جوانان بومی، جمعیت روستایی و سالمندان در عصر دیجیتال تأکید شده است؛ زیرا به زعم کارشناسان، استفاده از قابلیت‌های فناوری دیجیتال به پیشرفت کامل اهداف توسعه پایدار کمک می‌کند و در این مسیر، فقط دسترسی کافی نیست، بلکه

1. George Caspar Homans

رزمخواه/ سالمندان و حق بر سواد دیجیتال از منظر «توصیه‌های سازمان ملل متحد در عصر وابستگی دیجیتال»

جهان نیازمند همکاری متقابل در راستای استفاده فراگیر از قابلیت‌های این فناوری است. انتظار می‌رود این پیش‌نویس در سپتامبر ۲۰۲۴ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شود.

۱-۲. مفهوم و پیشینه سواد دیجیتال

نخستین بار پاول گلیستر در سال ۱۹۹۱ عبارت سواد دیجیتال^۱ را در کتابی با همین عنوان مطرح و آن را سواد لازم برای عصر دیجیتال تعریف کرد. البته سواد دیجیتال مفهومی ایستا نیست، بلکه در گذر زمان و به تبع پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات، متغیر و پویاست. به همین دلیل به‌منزله موضوعی پیچیده می‌تواند هر نوع مهارت رایانه‌ای و هر فعالیتی را دربر گیرد که در فضای مجازی انجام می‌شود (کاظم‌پور، ۱۳۹۵، ص ۵۵). به‌طور کلی می‌توان سواد دیجیتال را کسب مهارت و قابلیت‌های لازم برای زندگی در جامعه دیجیتال تعریف کرد، قابلیت‌هایی که به افراد کمک می‌کند تا با استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی مثل تلفن هوشمند، رایانه و تبلت، اطلاعات جدید را کسب کنند و در زندگی معمول خود به‌کار گیرند (معینی‌فر، ۱۴۰۱، ص ۸۴)؛ بنابراین سواد دیجیتال شامل طیف وسیعی از مهارت‌ها از جمله، مهارت‌های اولیه کار با رایانه، توانایی پیمایش در وب‌سایت‌ها و برنامه‌های نرم‌افزاری، برقراری ارتباطات آنلاین و درک مسائل مربوط به امنیت دیجیتال می‌شود (Singh, 2018, p. 66).

۱-۳. مفهوم و پیشینه شکاف دیجیتال

اصطلاح شکاف دیجیتال^۲ در اوایل دهه ۱۹۹۰ مطرح شد، زمانی که از تفاوت میان افرادی صحبت شد که هم دسترسی به فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی دارند و هم دارای مهارت‌های لازم در این زمینه هستند، در مقابل افرادی که دسترسی به فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی ندارند یا در صورت دسترسی، فاقد مهارت‌های کافی و لازم‌اند (Puspitasari, 2016, p. 475). به‌عبارت‌دیگر، شکاف دیجیتال مفهومی است که برای تبیین توزیع نابرابر امکان دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات و همچنین، نابرابری در مهارت استفاده از فناوری‌های مزبور - در حکم معضلی که در ترس، فقدان جذابیت و به‌طور کلی نگرش منفی افراد درباره هر نوع فناوری نوین اطلاعات و ارتباطات بر اثر بی‌کفایتی برنامه مهارت‌آموزی و حمایت‌نشدن از سوی جامعه ریشه دارد - به‌کار می‌رود (Rosales, 2020, p. 1075).

۲. سالمندان و پذیرش فناوری دیجیتال

فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، از جمله اینترنت، تلفن همراه هوشمند و تبلت، در حال حاضر بخش بزرگی از زندگی انسان‌ها را به خود اختصاص داده‌اند؛ زیرا امکان دسترسی سریع به اطلاعات و خدمات را در هر زمان و هر مکان فراهم می‌کنند. جمعیت سالمند کره خاکی نیز از این شرایط مستثنا نیستند و انتظار می‌رود که آن‌ها نیز از خدمات مبتنی بر اینترنت در حوزه‌های مختلف، از جمله سلامت، اقتصاد، آموزش و سایر حوزه‌ها استفاده کنند؛ چراکه به آن‌ها برای گسترش روابط اجتماعی، دسترسی فوری به اطلاعات و انجام امور روزمره مثل خرید، مسافرت و انجام امور بانکی کمک می‌کند (Engel, 2018, p. 132).

۲-۱. ضرورت و اهمیت سواد دیجیتال برای سالمندان

با توجه به موارد مطرح‌شده در خصوص اهمیت و ضرورت بهره‌مندی از سواد دیجیتال، فعالان حوزه ارتباطات و اطلاعات با اتکا بر چهار دلیل، درباره لزوم آموزش سالمندان به‌منظور کسب مهارت‌های دیجیتال صحبت می‌کنند:

1. Digital Literacy
2. Digital Divide

- (۱) بسیاری از فعالیت‌های مهم در زندگی روزمره به صورت آنلاین (برخط) انجام می‌شود. طی چند سال اخیر، به خصوص دوران همه‌گیری کرونا، در اغلب جوامع، گرایش گسترده‌ای به سمت خدمات غیر حضوری شکل گرفته است (Chao, 2020, p. 160). برای مثال، بانک‌ها به طور فزاینده‌ای مشتریان خود را تشویق می‌کنند تا از دستگاه‌های باجه خودکار و بانکداری اینترنتی استفاده کنند؛
- (۲) کمک به حفظ استقلال و خودمختاری سالمندان: برخلاف جوامع پنجاه یا صد سال پیش، که خانواده‌ها پرجمعیت بودند و فرزندان به والدین سالخورده خود در انجام امور روزمره کمک می‌کردند (Wang et al., 2020, p. 15)، در حال حاضر با توجه به کاهش میزان زادوولد، در اغلب کشورها سالمندان معمولاً به تنهایی زندگی می‌کنند؛ بنابراین بهره‌مندی از سواد دیجیتال باعث می‌شود بدون نیاز به کمک سایر افراد از طیف وسیعی از خدمات در حوزه‌هایی مثل مراقبت‌های بهداشتی بهره‌مند شوند؛
- (۳) کمک به سالمندان برای مواجهه با کلاهبرداری‌های اینترنتی و اخبار جعلی در فضای مجازی: طبق مطالعات انجام شده در آمریکا، مشخص شد که بزرگسالان بالای ۶۵ سال مستعدترین افراد در برابر اخبار جعلی هستند (Schehl, 2020, p. 37). اگرچه نمی‌توان تضمین کرد که سالمندان در صورت داشتن سواد دیجیتال تسلیم کلاهبرداری یا اخبار جعلی نخواهند شد، اما بی‌شک داشتن آگاهی بیشتر در این زمینه، آن‌ها را محتاط‌تر می‌کند و امکان مدیریت بهتر شرایط را برایشان فراهم می‌آورد؛
- (۴) کمک به بهبود تفکر و سلامت مغز: معمولاً همراه با افزایش سن افراد احتمال زوال عقل نیز افزایش می‌یابد. در این راستا، برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارت‌آموزی متناسب با شرایط و علاقه سالمندان، با به چالش کشیدن آن‌ها برای کسب اطلاعات جدید، به فعال نگه داشتن مغزشان کمک می‌کند و همچنین نقش سازنده‌ای را در پرکردن اوقات فراغت سالمندان و سرگرم‌کردنشان به خصوص در مواردی که به دلیل شرایط خاص مجبورند در خانه بمانند ایفا می‌کند (Fischer, 2020, p. 513).

۲-۲. سالمندان و چالش‌های بهره‌مندی از سواد دیجیتال

افزایش تعداد سالمندان و پیرشدن جمعیت جهان، به موازات توسعه فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، به منزله یکی از چالش‌های جامعه جهانی به رسمیت شناخته شده است، اما در عمل آمار نشان می‌دهد که در اغلب جوامع، فارغ از ابعاد توسعه‌یافتگی، درصد زیادی از سالمندان (افراد بالای ۶۵ سال) به دلایل مختلف، مانند دسترسی نداشتن به اینترنت، کمبود بودجه برای خرید تجهیزات دیجیتال و همچنین فقدان مهارت‌های دیجیتال یا نداشتن انگیزه کافی برای شروع به یادگیری، از سواد دیجیتال برخوردار نیستند (Buyl, 2020, p. 128). حتی در کشورهای بسیار توسعه‌یافته، که امکانات لازم برای دسترسی سالمندان به اینترنت فراهم است، جمعیت سالمند در مقایسه با نسل جوان به میزان بسیار کمتری در فعالیت‌های اطلاعاتی و ارتباطی دنیای مجازی مشارکت دارند. به‌زعم محققان و جامعه‌شناسان، سالمندان دنیای دیجیتال را ناامن و نامطمئن دانسته و خود را قادر به درک زبان دیجیتال نمی‌دانند. این طرز تفکر و نگرش اغلب سالمندان را از دنیای دیجیتال دور می‌کند و انگیزه کافی برای کسب مهارت و آموزش در این زمینه را از آن‌ها می‌گیرد. بی‌شک شکل‌گیری چنین احساسی به این فناوری می‌تواند ماحصل شرایط زیر باشد.

۲-۲-۱. سن‌گرایی در خلال ارائه و استفاده از خدمات دیجیتال

سن‌گرایی^۱ یا تبعیض سنی به کلیشه‌سازی و اعمال رفتارهای تبعیض‌آمیز علیه فرد یا گروهی از افراد به دلیل سن تقویمی^۲ آن‌ها گفته می‌شود. به عبارت دیگر، مجموعه هنجارها و ارزش‌هایی است که برای توجیه تبعیض براساس سن افراد، بدون توجه به وجود تفاوت میان آن‌ها از منظر توانایی‌ها و ویژگی‌های واقعی‌شان مطرح می‌شود (Fang, 2019, p. 5). در واقع سن‌گرایی به منزله سوگیری و تعصب اجتماعی مبتنی بر سه پایه است: (۱) نگرش‌های تعصب‌آمیز افراد به فرد سالمند؛ (۲) اعمال رفتارهای تبعیض‌آمیز علیه آن‌ها؛ (۳) تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های

1. Ageism
2. Chronological Age

اجتماعی نهادینه شده در راستای تقویت این نوع نگرش (Chu, 2021, p. 3). وجود این تفکرات کلیشه‌ای در سطح جامعه، در نگرش اعضای خانواده نیز مؤثر است؛ به نوعی که ایجاد ترس و احساس منفی به وظایف خانواده در مراقبت از سالمند و امور روزمره او را در پی داشته است. علاوه بر این، وجود باورهای سنتی به سالمند، در سطح خانواده، می‌تواند به ابزاری برای محدود کردن هرچه بیشتر فرصت‌ها و حق انتخاب سالمندان، در راستای بهینه‌سازی پیوندها و تعاملات اجتماعی تبدیل شود. شرایطی که از آن با عنوان سن‌گرایی درونی^۱ یاد می‌شود و به اعمال رفتارهای تبعیض آمیز علیه سالمند در سطح خانواده، کاهش اعتماد به نفس در سالمندان و افزایش تفکرات منفی درباره قابلیت‌های فردی در این قشر از جامعه منجر می‌شود (Gordon, 2022, p. 5)، پدیده‌ای که دنیای دیجیتال نیز از آن در امان نمانده و به مانعی برای پذیرش و استفاده از فناوری دیجیتال در سطح جامعه - به دلیل وجود پیش‌داوری و تفکرات کلیشه‌ای درباره توانایی و قابلیت‌های سالمندان بدون توجه به تجارب و مهارت‌های آن‌ها، تبدیل شده است (Caspi, 2019, p. 1026). امروزه سالمندان ناتوان، بی‌علاقه به فناوری دیجیتال یا دارای تکنوفوبیا (فناوری‌هراسی) در رسانه‌های جمعی و تعاملات اجتماعی، تصور می‌شوند (Grenier, 2021, p. 346)، چرخه معیوبی که از یک‌سو، کاربران سالمند را از پذیرش فناوری دیجیتال و کسب مهارت‌های مربوطه منصرف می‌کند؛ تاجایی که به کاربران نامرئی^۲ تبدیل شوند و از سوی دیگر، توسعه دنیای دیجیتال را بدون توجه به نیازها و علایق سالمندان و با هدف جذب حداکثری قشر جوان جامعه در پی داشته باشد.

۲-۲-۲. اختلالات جسمی و شناختی

وجود اختلالات جسمی و شناختی در دوران سالمندی در استفاده از قابلیت‌های فناوری دیجیتال مانع ایجاد می‌کند؛ حتی اگر مثلاً قبل از ایجاد اختلال در قدرت بینایی یا شنیداری، به صورت مستمر از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی استفاده کرده باشند. بروز مشکل در حین استفاده ممکن است ناامیدی و دل‌زدگی از فناوری را با خود به همراه داشته باشد. همچنین وجود اختلالات شناختی، مانند زوال عقل نیز سالمندان را در هماهنگ شدن با سرعت تغییرات و پیشرفت‌ها، با توجه به فقدان اجرای اقدامات لازم و متناسب با شرایط و نیازهای فردی، ناتوان ساخته و به بروز مشکلات عدیده‌ای برای این قشر از جامعه منجر خواهد شد (Mubarak, 2022, p. 3).

۲-۲-۳. بی‌توجهی به حق حریم خصوصی سالمندان در فضای دیجیتال

حق‌ها در فضای دیجیتال مصادیق مختلفی دارند. یکی از این مصادیق، حق حریم خصوصی است، حقی که به‌زعم برخی نظریه‌پردازان، از لوازم اصلی استیفای تام و تمام سایر حق‌ها از جمله حق امنیت، حق آموزش و حق مصرف‌کننده در فضای دیجیتال است (Alper, 2017, p. 727). این حق به کرامت انسان و اهمیت حفاظت از آن مربوط است، اما با گسترش فضای مجازی و حضور هرچه بیشتر شهروندان، از جمله قشر سالمند در این فضا، حفاظت از اطلاعات و داده‌های شخصی و خصوصی با چالش‌های عمده‌ای مواجه شده است. در واقع سالمندان به دلیل فقدان سواد کافی در حوزه دیجیتال تصور می‌کنند که آنچه در دنیای دیجیتال و ارتباطات دوجانبه به اشتراک گذاشته‌اند محرمانگی خود را حفظ خواهد کرد؛ حال آن‌که ماهیت ارتباطات در این فضا متفاوت بوده و چنین طرز تفکری اشتباه و ناشی از بهره‌مندی از سواد و مهارت‌های دیجیتال است؛ البته در مواردی امکان انجام برخی تنظیمات پیشرفته در راستای افزایش امنیت وجود دارد که آن‌هم نیازمند بهره‌مندی از اطلاعات کافی در حیطه فضای دیجیتال است (حبیبی، ۱۳۹۵، ص ۳۱). همچنین باید توجه داشت که علاوه بر فقدان مهارت کافی کاربران در حوزه دیجیتال، مسئولان شبکه‌ها، عامدانه، با هدف جذب تعداد بیشتر مخاطب، سعی بر این دارند که اطلاعات به شکل عمومی منتشر شوند؛ بنابراین شبکه به نحوی طراحی می‌شود که اطلاعات شخصی افراد را در دسترس عموم قرار دهد. در این مورد نیز کاربران، از جمله سالمندان، نیازمند بهره‌مندی از اطلاعات و توانمندی لازم در زمینه انتخاب نوع اطلاعاتی هستند که به اشتراک می‌گذارند.

1. Internalized Ageism
2. Invisible users

۳. جایگاه حق بهره‌مندی از سواد دیجیتال در چهارچوب نظام بنیادین حقوق بشر

حق بهره‌مندی از سواد دیجیتال را حق قانونی هر انسان در داشتن امکان دسترسی، استفاده، ایجاد و انتشار محتوای دیجیتال بر روی دستگاه‌هایی مثل رایانه، تلفن همراه و همچنین فضای مجازی تعریف کرده‌اند (Pangrazio, 2020, p. 210)، اما هنوز مشخص نیست که آیا این حق به‌خودی‌خود حق مستقل بشری قابل شناسایی است؟ یا این‌که آیا به‌منزله بخشی از سایر حقوق بنیادین می‌توان به آن پرداخت؟ درخصوص ماهیت واقعی سواد دیجیتال از منظر حقوقی، دو نظریه مطرح شده است: نظریه اول، بدون اشاره به جایگاه این حق در نظام بین‌المللی حقوق بشر و حتی بدون استفاده از عنوان حق، بهره‌مندی از سواد دیجیتال را پیش‌شرط بهره‌مندشدن از سایر حقوق بنیادین بشری دانسته است. به‌عبارت‌دیگر، بهره‌مندشدن از حقوق بنیادین بشری را در گرو توانایی استفاده از اینترنت و داشتن سواد دیجیتال دانسته است (Formosa, 2019, p. 84). براین اساس، سواد دیجیتال نقش سازنده‌ای در بهبود کیفیت زندگی افراد از جنبه‌های مختلف، مثل آموزش، اشتغال، ارتباطات و سلامت جسمانی دارد و داشتن مهارت و بهره‌مندی از آموزش در حوزه دیجیتال در حکم پیش‌شرط برخوردارشدن از این مزایا معرفی شده است (Pandey, 2020, p. 3). در همین راستا، یونسکو در توصیه‌های خود پیرامون ترویج و دسترسی به فضای مجازی، از لزوم داشتن مهارت‌های دیجیتال در راستای ارتقای روند توانمندسازی شهروندان و جامعه مدنی صحبت کرده است. به‌زعم یونسکو، داشتن سواد دیجیتال ابزاری ضروری برای تأمین سایر حقوق بنیادین بشری، مثل آزادی بیان، مشارکت در زندگی فرهنگی، حق دریافت و تبادل اطلاعات و غیره است که فقدان آن ممکن است به ایجاد شکاف طبقاتی در جوامع منجر شود.

نظریه دوم، با اتخاذ رویکرد حق‌محور از دو منظر به موضوع سواد دیجیتال پرداخته است: از منظر اول، بهره‌مندی از سواد دیجیتال را به‌منزله بخشی از سایر حقوق بنیادین بشری مثل حق بر آموزش و حق بهره‌مندشدن از پیشرفت‌های علمی - آن‌طور که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است - می‌داند؛ به این مفهوم که با ارائه تفسیری موسع از حق بر آموزش و حق بهره‌مندی از پیشرفت‌های علمی، مجموعه جدیدی از حقوق، مثل حق بر آموزش دیجیتال^۱ را، که با دسترسی و توانایی استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات مرتبط است، مطرح کرده و معتقد است که همه اعضای جامعه حق دارند از مزایای پیشرفت‌های نوین علمی استفاده کنند و البته استفاده از مزایای فناوری دیجیتال نیازمند داشتن سواد و مهارت دیجیتال است (Upadhyay, 2022, p. 5)، اما از منظر دوم، حق بر سواد دیجیتال در حکم حق مستقل بشری معرفی شده است، نگرشی که در خلال بیست‌ودومین کنفرانس اروپایی سوادآموزی در دوبلین و در قالب اعلامیه اروپایی سواد دیجیتال با عنوان حق اساسی کودکان^۲ ارائه شد. در مقدمه این اعلامیه آمده است: «همه کودکان حق کسب سواد دیجیتال دارند؛ لذا کشورهای عضو اتحادیه اروپا مکلف هستند تضمین نمایند که کودکان فارغ از طبقه اجتماعی، مذهب، قومیت و جنسیت، از منابع و امکانات لازم و کافی در جهت توسعه سواد دیجیتال بهره‌مند گردند؛ تاجایی که بتوانند از ابزارهای دیجیتال به‌عنوان وسیله و ابزاری برای یادگیری، تحقیق، برقراری ارتباط و سرگرمی استفاده کنند.» در این اعلامیه حق بر سواد دیجیتال به‌منزله حقی مستقل آمده است. همچنین ماده ۴ اعلامیه اروپایی اصول و حقوق دیجیتال در عصر دیجیتال^۳ نیز بدون اشاره به اسناد بین‌المللی حقوق بشر از حق بر سواد دیجیتال به‌صورت مستقل از سایر حقوق بنیادین بشری صحبت کرده و به‌صراحت ذیل این ماده، با عنوان آموزش مهارت‌های دیجیتال اذعان داشته است: «همه افراد حق دارند در جهت کسب تمامی مهارت‌های ابتدایی و پیشرفته دیجیتال از امکانات آموزشی و مهارت‌آموزی بلندمدت بهره‌برند.» شبیه به این رویکرد را شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز در اولین نشست سالیانه خود با عنوان «حقوق کودک و فضای دیجیتال»^۴ اتخاذ کرده و به‌صراحت بهره‌مندی از سواد دیجیتال، در حکم حقی بشری، به‌رسمیت شناخته شد. در مجموع به‌نظر می‌رسد فارغ از جایگاه حق بر سواد

1. Digital Education Rights

2. European Declaration of Digital Literacy as a Basic Right of Children (3 July 2022), European Literacy Conference, Dublin, Available online at: <https://elinet.pro/european-declaration-of-digital>. last visited:9/12/2023.

3. European Declaration on Digital Rights and Principles for the Digital Decade

4. Annual Full-Day Meeting on the Rights of the Child and the Digital Environment

دیجیتال، در نظام بین‌المللی حقوق بشر، به منزله حقی مستقل یا وابسته به سایر حقوق بنیادین، در شرایط فعلی و با توجه به پیشرفت روزافزون فناوری‌های دیجیتال، اهمیت و لزوم کسب مهارت و سواد دیجیتال، برای تمامی افراد، بدون توجه به سن، جنسیت، نژاد و طبقه اجتماعی در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است، اما آنچه در این راستا باید مورد توجه قرار گیرد، تعهداتی است که دولت‌ها در زمینه تأمین، ترغیب و اجرایی شدن این حق برعهده دارند. بی‌شک نقش دولت‌ها - چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی - در تضمین و تسهیل اجرای حقوق بنیادین بشری، از جمله حق بر سواد دیجیتال انکارناپذیر است، نقشی که با توجه به وجود سوگیری، تبعیض و بی‌توجهی به سالمندان و مهارت‌هایشان در استفاده از فناوری دیجیتال پررنگ‌تر می‌شود.

۴. تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در تأمین و اجرای حق سالمندان بر بهره‌مند شدن از سواد دیجیتال

تاکنون معاهده بین‌المللی به صورت خاص در مورد تعهدات دولت‌ها در قبال سالمندان به تصویب نرسیده است، اما می‌توان با استفاده از شیوه تفسیر تکاملی از مقررات معاهداتی که تاکنون در حیطه مسائل حقوق بشری به تصویب رسیده‌اند تا حدودی این خلأ را پر کرد.

۴-۱. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱ به صراحت از حق بر آموزش همه انسان‌ها (بدون اشاره به محدودیت سنی) صحبت می‌کند. ماده‌ای که به زعم کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (کمیته)، در مقدمه تفسیر عمومی شماره ۱۳ گسترده‌ترین و جامع‌ترین ماده در مورد حق بر آموزش در چهارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر است. با استناد به بند اول ماده ۱۳ در مورد هدف از آموزش، کمیته از توافق کشورهای عضو میثاق، بر هدایت تمام انواع برنامه‌های آموزشی، اعم از دولتی، خصوصی، رسمی یا غیررسمی، به سمت متجلی کردن اهداف و اصول اساسی سازمان ملل متحد، طبق آنچه در موارد شماره ۱ و ۲ منشور آمده است، صحبت می‌کند، اهدافی که در چارچوب بند دوم ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مورد توجه بوده و البته ماده ۱۳ آن را کامل می‌کند: «هدف از آموزش باید نمو کامل شخصیت بشری، (درک) احساس کرامت و ایفای نقش مؤثر در اجتماع باشد» (General Comment, No. 13, Para. 4). با توجه به اهمیت احترام به کرامت ذاتی بشر و نقش مهم آموزش در این رابطه، ذیل بند دوم ماده ۱۳ از منع تبعیض صحبت شده است. به عبارت دیگر، دولت‌های متعاقد موظف شده‌اند تا امکان دسترسی همگان، به ویژه اقشار آسیب‌پذیر را به برنامه‌های آموزشی، بدون هر نوع تبعیض، فراهم سازند؛ البته لازم به تأکید است که بر خورداری از حق تحصیل محدود به سن نیست و کودکان، جوانان، بزرگسالان، از جمله سالمندان، تحت پوشش این حق قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، آموزش جزو لاینفک یادگیری مادام‌العمر است. در همین راستا، کمیته با اشاره به تفسیر عمومی شماره ۶ خود در مورد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سالمندان، بر اهمیت آموزش سالمندان و تعهد دولت‌های متعاقد در این رابطه تأکید دارد. در همین راستا، تفسیر عمومی شماره ۶ کمیته، با اشاره به اصول سازمان ملل برای سالمندان^۲، با تأکید بر بند اول ماده ۱۳ به عنوان مبنای حقوقی بهره‌مند شدن سالمندان از برنامه‌های آموزشی مختلف، از کشورهای متعاقد می‌خواهد که از دسترسی سالمندان به آموزش مناسب و مادام‌العمر اطمینان حاصل کنند، دسترسی‌ای که تابع هیچ‌گونه محدودیت سنی نباشد (General Comment, No. 6, Para. 36-42).

البته در هیچ‌یک از این اسناد حقوقی، به صراحت از سواد دیجیتال صحبت نشده است. شاید علت اصلی این غفلت، به تاریخ تصویب این اسناد و فقدان توسعه و تکامل فناوری دیجیتال در آن دوران برگردد. اما آنچه مسلم است، در حال حاضر آموزش دیجیتال، به منزله بخشی از آموزش‌های ابتدایی و پایه در سطح جهان، به رسمیت شناخته شده است؛ بنابراین این فرض که نباید مانعی بر سر راه سالمندان در داشتن سواد دیجیتال وجود داشته باشد، به نظر منطقی می‌رسد. به عبارت دیگر، در عصر حاضر فقدان سواد دیجیتال مانع از حضور فعال شهروندان در زندگی اجتماعی، آن‌طور که در ماده ۱۳ میثاق آمده، خواهد شد. علاوه بر این، وابستگی سالمندان به دیگران در جهت انجام اموری که نیازمند داشتن

1. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights
2. UN Principles for Older Persons

مهارت‌های دیجیتال است می‌تواند به تضعیف شخصیت آن‌ها و نادیده گرفتن کرامت ذاتی شان منجر شود. همچنین، در دورانی که میثاق نگارش یافته است، با توجه به شرایط خاص اغلب کشورها، سوادآموزی و توسعه آموزش ابتدایی به منزله اهداف بنیادین مدنظر بوده است، اما در عصر حاضر، با توجه به پیشرفت فناوری در حوزه‌های مختلف، از جمله فناوری دیجیتال، در عمل صحبت از آموزش‌های ابتدایی و پایه بدون توجه به این نوع پیشرفت‌ها، امری عبث خواهد بود. به همین دلیل است که حقوق‌دانان از تفسیر تکاملی اسناد حقوقی صحبت می‌کنند؛ چراکه اگر مفاد میثاق از جمله ماده ۱۳ در سایه پیشرفت‌های علمی و فناوری تفسیر نشود، به مرور زمان ماهیت وجودی خود را از خواهد داد و در عمل، متروک خواهد ماند.

علاوه بر موارد فوق، نباید از بندهای اول و دوم ماده ۱۵ میثاق نیز غافل ماند. براساس این ماده، کشورهای متعهد مکلف شده‌اند حق همه انسان‌ها در بهره‌مندشدن از پیشرفت‌های علمی و مجاری آن را به رسمیت بشناسند. کمیته در تفسیر عمومی شماره ۲۵ خود در مورد ماده ۱۵، تعهدات کشورها در این زمینه را شامل ایجاد و تضمین امکان دسترسی به منافع ناشی از پیشرفت‌های علمی می‌داند و معتقد است که دولت‌ها باید با کمک تمام منابع در دسترس، برای غلبه بر موانع موجود در این مسیر تلاش کنند. این تعهد به خصوص باید در ارتباط با سالمندان با در نظر گرفتن اصول سازمان ملل متحد برای سالمندان، از جمله اصول ۷ و ۱۶، که از اهمیت ادغام و مشارکت سالمندان در تدوین سیاست‌های رفاهی و لزوم بهره‌مندی آن‌ها از امکانات آموزشی، فرهنگی، معنوی و تفریحی جامعه صحبت کرده‌اند، مورد توجه قرار گیرد. در واقع بدون داشتن مهارت و سواد دیجیتال، سالمندان از حق خود بر دسترسی به منافع ناشی از پیشرفت‌های علمی محروم خواهند ماند. این شرایط در حالی رخ می‌دهد که شهروندان بدون اعمال هر نوع تبعیض حق دارند از مزایای ناشی از پیشرفت فناوری بهره‌مند شوند (General Comment, No. 25, Para. 5).

در پایان، به این نکته باید توجه داشت که مفاد ماده ۱۳ سه سطح از تعهدات را بر کشورهای متعهد تحمیل می‌کند. سطح اول، تعهد به احترام؛ سطح دوم، تعهد به حمایت و سطح سوم، تعهد به اجرا. مورد اخیر به عنوان قاعده‌ای کلی، کشورهای عضو را متعهد می‌سازد که اگر شهروندی یا گروهی از شهروندان به دلایلی خارج از کنترل خود قادر به احقاق حقوق قانونی شان نیستند، از طریق ابزارهایی که در اختیار دارند، امکان بهره‌مندی و تأمین حق مربوطه را فراهم سازند (General Comment, No. 13, Para. 47). بنابراین با توجه به موضوع بحث، به نظر می‌رسد بتوان مدعی شد که دولت‌های متعهد وظیفه دارند شرایط لازم برای آموزش همه اقشار جامعه، از جمله سالمندان را فراهم کنند. در این راستا، با هدف حفظ کرامت ذاتی سالمندان و کمک به آن‌ها در راستای داشتن حضور فعال در جامعه، آموزش‌ها باید به روزرسانی شده و هماهنگ با نیازهای جامعه و پیشرفت‌های علمی، طراحی و برنامه‌ریزی شوند. به عبارت دیگر، اگر میثاق در ۱۹۶۰ بر داشتن سواد خواندن و نوشتن در حکم حق بنیادین بشری تأکید کرده است، در دهه‌های حاضر، به آشنایی با فضای مجازی و دنیای دیجیتال توجه کرده و فقدان شرایط لازم در کسب سواد دیجیتال، می‌تواند به منزله نقض حق فرد بر داشتن سواد معرفی شود.

۴-۲. کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت

ذکر این نکته بدیهی است که همه سالمندان معلولیت ندارند و البته همه افراد دارای معلولیت ضرورتاً سالمند نیستند، اما در جوامع مختلف، تعداد سالمندان دارای معلولیت کم نیست (Milan, 2020, p. 4). بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به این که کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت بر این فرض بنا شده است که بهره‌مند نبودن افراد دارای معلولیت از حقوق قانونی خود، نه علت ناتوانی فردی، بلکه به دلیل موانع متعدد در اجتماع است، می‌توان از امکان تسری مقررات کنوانسیون به سالمندان صحبت کرد؛ از جمله ماده ۹، که دولت‌ها را متعهد می‌سازد دسترسی افراد دارای معلولیت را به فناوری ارتباطات و اطلاعات، با کمترین هزینه تأمین کنند. با داشتن ابزارهای قانونی مناسب می‌توان الگوی مشابهی را در حوزه دیجیتال برای سالمندان فراهم کرد. همچنین در بحث یادگیری مادام‌العمر^۱، مفاد ماده ۲۴ شایان توجه است. براین اساس، کشورهای متعهد

1. The Convention on the Rights of Persons with Disabilities
2. Lifelong Learning

ملزم شده‌اند که با هدف توانمندسازی افراد دارای معلولیت برای مشارکت فعال در جامعه، تضمین کنند که نظام آموزشی فراگیر و مادام‌العمر برای تمام رده‌های سنی در دسترس باشد. کمیته حقوق افراد دارای معلولیت^۱ در تفسیر عمومی شماره ۴ در مورد حق بر آموزش فراگیر، فهرستی از تعهدات بلندمدت دولت‌ها در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات ارائه می‌دهد، ضمن آن‌که تأکید دارد محتوای مواد ۹ و ۲۴ کاملاً با یکدیگر در ارتباط‌اند؛ به این دلیل که اگر فرد به فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات دسترسی نداشته باشد، نمی‌تواند از حق خود بر آموزش فراگیر بهره‌مند شود. در نتیجه دولت‌های متعهد باید اطمینان حاصل کنند که افراد دارای معلولیت به انواع مختلف آموزش، از جمله دوره‌های آموزش بزرگسالان بدون تبعیض دسترسی داشته باشند، تعهدی که دسترسی این افراد به فناوری‌های جدید ارائه‌شده به منظور تقویت یادگیری را نیز دربرمی‌گیرد.

با توجه به موارد مطرح‌شده، همچنین فقدان مقررات صریح بین‌المللی لازم‌الاجرا در مورد ابعاد حقوقی، اجتماعی و اقتصادی فناوری دیجیتال، که با سرعت زیاد در حال پیشرفت و توسعه در جوامع است، دبیر کل سازمان ملل متحد ابتکار عمل را به‌دست گرفت و پیشنهاد تصویب یک سند جامع بین‌المللی را در این باره مطرح کرد. سندی که به‌زعم کارشناسان، با هدف اقناع دولت‌ها در خصوص پذیرش کرامت بشری در حکم پایه و رکن اصلی مراحل حاکم بر تحقیق، طراحی، توسعه و تولید، فناوری دیجیتال تهیه و تدوین شده است. سندی که علی‌رغم بهره‌مندی از نقاط قوت فراوان و توجه به جنبه‌های مختلف حقوقی و اخلاقی فناوری دیجیتال، هنوز در برخی از بخش‌ها، با ایرادهای جدی مواجه است.

۵. ایرادهای وارد بر متن پیش‌نویس توصیه‌های سازمان ملل متحد در عصر وابستگی دیجیتال

در مقدمه پیش‌نویس، سعی شده است با اتخاذ نگرشی بی‌طرفانه ضمن تأیید نقاط قوت فناوری دیجیتال، از نگرانی‌ها و چالش‌های مطرح‌شده از سوی فعالان حوزه حقوق بشر صحبت شود. در این باره، لزوم برقراری همکاری دیجیتال^۲ در راستای تبیین شیوه‌های نوین، با هدف به‌حداقل رساندن آسیب‌های ناشی از این فناوری مطرح شده است؛ زیرا دنیای دیجیتال نیازمند اتخاذ شیوه‌های جدید براساس احترام به حقوق بنیادین بشر و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه بوده و در کنار چندجانبه‌گرایی^۳، باید چند ذی‌نفع‌گرایی^۴ را نیز مدنظر داشته باشد. ارزش‌هایی که نیازمند مشارکت و همیاری میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در راستای فراهم‌کردن امکان دسترسی مقرون‌به‌صرفه و مفید همه بزرگسالان به خدمات دیجیتالی در راستای نیل به اهداف توسعه پایدار و ایجاد تحول بنیادین در نظام آموزشی و مهارت‌آموزی است؛ البته وجود این نقاط قوت نباید مانع از بیان ایرادهای وارد بر پیش‌نویس، از جمله موارد زیر، شود.

۵-۱. ایرادهای کلی

۵-۱-۱. استفاده مکرر از عبارات مبهم و نامشخص

بیان عبارات و اصطلاحات مبهم مثل گروه‌های به حاشیه رانده شده تأمین عدالت و رفع تبعیض، دسترسی مقرون‌به‌صرفه^۵، درک کافی^۶، سازوکارهای حکمرانی نرم^۷، ارزش‌های اخلاقی و مواردی از این نوع در بخش‌های مختلف متن توصیه‌نامه، با توجه به فقدان تعریفی جامع و مانع از این قبیل عبارات‌ها امکان ارائه تفاسیر متفاوت و گاه متناقض را در فرایند اجرای این مقررات، افزایش داده و به بهانه‌ای برای نقض یا سوء استفاده از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین تبدیل خواهد شد.

1. Committee on the Rights of Persons with Disabilities.
2. Digital Cooperation
3. Multilateralism
4. Multi-Stakeholderism
5. Affordable Access
6. Sufficient Understanding
7. Soft Governance Mechanisms

۵-۱-۲. ابهام در مبانی انتساب مسئولیت و فقدان صراحت در تبیین تعهدات حقوقی شرکت‌های خصوصی فعال در حوزه دیجیتال

به موضوع شرکت‌های خصوصی به کرات و در قالب بخش‌های مختلف توصیه‌نامه توجه شده است؛ برای مثال در پاراگراف دوم مقدمه آمده است: «رشد و تحول سریع (فناوری دیجیتال) با چالش‌های متعددی همراه بوده است، چالشی که با بهبود همکاری و تشریک مساعی میان جامعه مدنی، حکومت‌ها و بخش خصوصی می‌تواند مرتفع گردد». به همین ترتیب، در قالب بند اول از بخش دوم با عنوان «ایجاد نظام اقتصادی دیجیتال»، از تأثیر نوآوری‌های بخش خصوصی در دنیای دیجیتال و نقش مؤثر این نوآوری‌ها در تسهیل امور برای شهروندان یاد شده و از لزوم همکاری حکمرانان با بخش خصوصی، با هدف ایجاد الگوهای جدید حکمرانی، به منظور حفاظت از حریم خصوصی و اطلاعات شخصی کاربران صحبت شده است.

در چهارچوب بند اول از بخش سوم با عنوان «مأموریت انسانی و حقوق بشری» نیز بر نقش فزاینده بخش خصوصی در تأمین حقوق بشر، با توجه به گسترش میزان نقش‌آفرینی‌شان در حوزه دیجیتال، تأکید شده و همچنین، در بخش چهارم با عنوان «سازوکارهای جهانی در همکاری دیجیتال» از چالش‌های موجود در خصوص فقدان همکاری میان دولت‌ها و بخش خصوصی در عرصه دیجیتال یاد می‌شود. به نظر می‌رسد که علت اصلی اتخاذ این رویکرد نقش مهم شرکت‌های خصوصی در تولید، ارائه و استفاده از فناوری دیجیتال باشد. طبق آمار منتشرشده، ارزش بازار جهانی فناوری دیجیتال در سال ۲۰۲۲، حدود ۷۳۱ میلیارد دلار بوده و پیش‌بینی می‌شود که این مقدار تا سال ۲۰۳۰ به میزان ۲۶/۷ درصد افزایش یابد (Ashraf, 2021, p. 3)، اما نکته شایان توجه در این رابطه، بی‌توجهی نویسندگان پیش‌نویس به تعهدات حقوقی شرکت‌های خصوصی در حوزه دیجیتال است. به عبارت دیگر، در بخش آخر توصیه‌نامه، که از تعهدات دولت‌ها صحبت شده، مقررات مشخص و معینی در حوزه مسئولیت حقوقی این شرکت‌ها و نحوه انتساب مسئولیت، در قبال نقض حقوق شهروندان، به دلیل استفاده از محصولات دیجیتال پیش‌بینی نشده است. مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که همواره در قالب متن توصیه‌نامه از شرکت‌های خصوصی خواسته شده تا با دولت‌ها در عرصه دیجیتال همکاری کنند؛ برای مثال در بند سوم از توصیه اول، از بخش خصوصی خواسته شده است تا سیاست‌های خاصی را در راستای حمایت از گسترش مناطق تحت پوشش خدمات دیجیتال، به‌ویژه برای گروه‌های به حاشیه رانده شده اتخاذ کنند، اما مشخص نیست که این سیاست‌ها آیا توسط خود بخش خصوصی یا به واسطه نظام حاکم تدوین شود. علاوه بر آن، اجرای سیاست‌های مزبور نیازمند تأمین بودجه است، اما مرجع مسئول در تأمین بودجه مشخص نشده است. شبیه به این نوع ابهام در بخش دوم توصیه‌ها نیز دیده می‌شود. زمانی که از لزوم افزایش قابلیت‌های فردی در راستای مواجهه با آثار اجتماعی ناشی از فناوری دیجیتال صحبت می‌شود. در این راستا، از کلیه فعالان عرصه دیجیتال خواسته شده تا در هنگام تصمیم‌گیری در زمینه طراحی و توسعه محصولات دیجیتال، با انتخاب بهترین راهکار، آثار منفی و خطرهای بالقوه ممکن را در نظر داشته باشند و کاهش دهند. هرچند مشخص نیست که مرجع تشخیص بهترین راهکار کدام نهاد یا سازمان است؟ همچنین مشخص نیست براساس چه معیار یا استانداردی خطرهای بالقوه و آثار منفی سنجیده می‌شوند و این‌که اگر یک نهاد دولتی با همکاری بخش خصوصی کالای دیجیتالی ارائه دهد، نحوه انتساب مسئولیت در صورت بروز خسارت به چه شکل خواهد بود. همچنین در بخش سوم توصیه‌ها، لزوم احترام به حقوق بشر در خلال فرایند طراحی، تولید و عرضه محصولات دیجیتال، مورد توجه قرار گرفته و از شرکت‌های خصوصی فعال در حوزه رسانه‌های دیجیتال خواسته شده تا از حقوق شهروندان در برابر تهدیدهای فزاینده ایجادشده در فضای مجازی محافظت کنند؛ هرچند که هیچ ضمانت اجرایی به منظور تضمین احترام و اجرای چنین مأموریتی پیش‌بینی نشده است. همچنین در ادامه از لزوم معین کردن استانداردهای اخلاقی در راستای نظارت بر سامانه‌های دیجیتال، با هدف ارتقای کرامت ذاتی و حقوق برابر برای همگان صحبت شده است؛ البته مفهوم کلمات فوق یا حتی بیان مصادیقی در این زمینه، در چهارچوب توصیه‌نامه مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین معلوم نیست چه نهاد یا ارگانی باید مسئولیت تأمین و اجرای این مأموریت را برعهده بگیرد و البته مانند موارد پیشین، هیچ‌گونه سازوکار حقوقی مشخصی نیز برای تضمین پایبندی و احترام شرکت‌های خصوصی، به تعهدات فوق، پیش‌بینی نشده است.

۲-۵. ایرادهای وارد شده از منظر سواد دیجیتال

۲-۵-۱. نبود اشاره صریح به حق بر داشتن سواد دیجیتال در حکم یک حق بشری

فصل دوم پیش‌نویس با عنوان «هیچ‌کس فراموش نمی‌شود»^۱، در قالب سه بخش، به بررسی سواد دیجیتال و اهمیت بهره‌مند شدن همه اقشار جامعه از آن اختصاص یافته است. از وجود ارتباط مستقیم، میان پیشرفت این فناوری، فراهم بودن امکان دسترسی مقرون به صرفه برای همه اقشار جامعه، به خصوص اقشار به حاشیه رانده شده و ارتباط میان سواد دیجیتال، از یک سو با کاهش فقر، ترویج رشد فراگیر اقتصادی و افزایش میزان بهره‌وری، از سوی دیگر، صحبت شده است. ذکر سه نکته در اینجا خالی از فایده نیست. نخست، تهیه‌کنندگان پیش‌نویس، در قالب بخش اقتصادی این فصل، از اهمیت سواد دیجیتال، صحبت کرده و به نوعی، سعی کرده‌اند موضوع را در چهارچوب مسائل اقتصادی بررسی و تحلیل کنند. به‌زعم آن‌ها، بهره‌مندی افراد از سواد دیجیتال، به امکان برقراری ارتباط در اجتماع از یک سو و از سوی دیگر، مشارکت فعال در مبادلات و مراودات تجاری، به دلیل از بین رفتن موانع موجود در فرایند تبادل اطلاعات و کاهش نیاز به سطح بالای مهارت برای شرکت در فعالیت‌های اقتصادی، کمک قابل توجهی خواهد کرد؛ لذا ضمن آن‌که منکر چالش‌ها و نابرابری‌های موجود در عصر دیجیتال نیستند، بر نقش مثبت این فناوری در ایجاد فرصت‌های برابر اقتصادی برای همه تأکید دارند. به عبارت دیگر، سعی کرده‌اند از چالش‌هایی که ممکن است با بیان عبارت حق بر سواد دیجیتال، در سطح بین‌المللی ایجاد شود، فرار کنند؛ زیرا هنوز به صورت رسمی حقی با این عنوان در چارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته نشده است. دوم، در بخش سوم متن با عنوان «انسان، جامعه و فناوری دیجیتال» نیز علی‌رغم اشاره مستقیم به لزوم حفاظت از حقوق بنیادین بشری، صرفاً به حق بر حریم خصوصی، حق آزادی انتخاب و لزوم احترام به کرامت و حیثیت بشری اشاره شده است. حتی به حق بر آموزش، که می‌تواند مقدمه‌ای باشد بر لزوم برقراری شرایط لازم در راستای کسب مهارت‌های دیجیتال، در این بخش اشاره نشده و به آنچه در قالب بخش دوم از فصل دو، با عنوان «اصلاح نظام آموزشی و حمایت از یادگیری مادام‌العمر» آمده اکتفا شده است. در این بخش، ضمن اشاره به موج گسترده تغییراتی که فناوری دیجیتال ایجاد کرده، به منزله یکی از سریع‌ترین و پیش‌بینی‌ناپذیرترین تغییرات رخ داده در طول تاریخ بشریت، از لزوم آماده‌سازی مردم برای تغییر در شیوه امرار معاش و زندگی از طریق اصلاح نظام آموزشی فعلی و توسعه آموزش مادام‌العمر صحبت شده است؛ زیرا به‌زعم کارشناسان، نه تنها نظام فعلی آموزش در مدارس توانسته خود را با عصر دیجیتال متناسب سازد، بلکه با افراد بزرگسالی مواجه است که هنوز در مراحل اولیه یادگیری نحوه استفاده از ابزارهای دیجیتال هستند. اما در ادامه از لزوم شروع آموزش‌های مهارتی دیجیتال، از ابتدای ورود کودکان به مدرسه در قالب مهارت‌های نرم صحبت می‌کنند؛ چنان‌که نمی‌توان این حقیقت را نادیده گرفت که مرزهای بین «کار» و «یادگیری» به‌طور فزاینده‌ای محو شده است. بی‌شک طراحی برنامه‌های آموزشی و مهارت‌آموزی، همراه با ارائه مقرون به صرفه خدمات دیجیتال، برای بزرگسالان امری گریزناپذیر است؛ بنابراین با این‌که در ابتدا اهمیت سواد دیجیتال برای همه اقشار جامعه مورد توجه بوده، در ادامه صرفاً از لزوم آموزش خردسالان و کسب مهارت‌های دیجیتال توسط آن‌ها صحبت شده است، نگرشی که به نظر می‌رسد تحت تأثیر سوگیری و سن‌گرایی‌های موجود در جوامع و تأثیرپذیری کارشناسان سازمان ملل از آن‌ها باشد و بالاخره نکته سوم به استفاده از عبارت گروه‌های به حاشیه رانده شده^۲، به منزله افرادی که فاقد دسترسی ایمن و مقرون به صرفه به فناوری دیجیتال هستند برمی‌گردد، افرادی که به‌زعم تهیه‌کنندگان پیش‌نویس، شامل زنان، افراد سالمند، افراد دارای معلولیت، اقلیت‌های قومی و ساکنان مناطق دورافتاده یا روستایی می‌شود. این عبارت ابتدا در پاراگراف دوم از مقدمه پیش‌نویس آورده شده است و سپس در بخش‌های دیگر، از جمله فصل دوم نیز به کرات دیده می‌شود. به نظر می‌رسد استفاده از یک عبارت کلی، مثل افراد به حاشیه رانده شده، از این نظر که به گسترش دامنه شمول مقررات منجر می‌شود، اقدام مفیدی باشد، اما باید توجه داشت که با خود نگرشی همراه با پیش‌داوری و سوگیری به همراه دارد. به نوعی این پیش‌زمینه را ایجاد می‌کند که افراد مزبور به دلیل ناتوانی و کمبودهای فیزیکی، به صورت قهری حتماً بخش محروم و آسیب‌پذیر جامعه را تشکیل می‌دهند. البته نمی‌توان منکر این حقیقت

1. Leaving No One Behind
2. Marginalized Groups

شد که توسعه دیجیتال می‌تواند به نحو ناخوشایندی زندگی این دسته از افراد را تحت تأثیر قرار دهد، اما بهتر بود تهیه‌کنندگان پیش‌نویس از اصطلاح دیگری برای جایگزین استفاده می‌کردند یا با در نظر گرفتن نیازهای متفاوت اقشار خاص جامعه، به خصوص آن‌هایی که به‌زعم پیش‌نویس به حاشیه رانده شده‌اند، برای هر یک براساس نیازها و مشکلات، پیشنهادات متمایز و جداگانه‌ای را مطرح می‌کردند. بدون آن‌که این پیش‌زمینه را ایجاد کنند که فرد سالمند برای مثال، همواره جزو قشر به حاشیه رانده شده و آسیب‌پذیر جامعه است. در واقع بیان عبارت‌هایی از این نوع، امکان برخورد سلیقه‌ای و سوء تعبیر از مفهوم کلمات را هنگام اجرای تعهدات ناشی از مقررات به دنبال خواهد داشت.

۵-۲-۲. تأکید بر لزوم دسترسی جهانی به خدمات دیجیتال، بدون توجه به وضعیت متفاوت اقتصادی و اجتماعی کشورها

کارشناسان عالی‌رتبه سازمان ملل در اولین توصیه از توصیه‌های پنج‌گانه خود، از لزوم بهره‌مند شدن همه بزرگسالان (بدون اشاره به قشر یا افراد خاص) از خدمات مقرون به‌صرفه دیجیتال، در حکم وسیله‌ای برای مشارکت فعال در راستای نیل به اهداف توسعه پایدار، بدون هر نوع سوءاستفاده و از طریق تشویق گفتمان آگاهانه و انتخاب آزاد تا سال ۲۰۳۰ صحبت کرده‌اند، اما نویسندگان چنین پیشنهادی فراموش کرده‌اند که مشارکت معنادار در عصر دیجیتال، نیازمند اتصال به اینترنت پهن باند^۱ با سرعت بالاست؛ در حالی که اکنون فقط ۵۳/۶ درصد از جمعیت جهان از اینترنت استفاده می‌کنند و تخمین زده شده که حدود ۳/۶ میلیارد انسان در دنیا، به اینترنت دسترسی ندارند (Rodregues, 2020, p. 3). علاوه بر این، نصب و راه‌اندازی اتصالات لازم در این زمینه نیز پرهزینه است؛ بنابراین اغلب کشورها در تأمین مالی کابل‌های فیبر نوری مورد نیاز با مشکلاتی مواجه‌اند؛ برای مثال، تخمین زده می‌شود که دستیابی به اینترنت جهانی با کیفیت تا سال ۲۰۳۰ در سراسر افریقا ممکن است هزینه‌ای بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار داشته باشد. همچنین، کارشناسان به قدرت خرید مردم در جوامع کمتر توسعه‌یافته نیز توجه نداشته‌اند. در واقع قدرت خرید ضعیف مردم در این کشورها یکی از عوامل محدودکننده دسترسی به خدمات دیجیتال است. در حال حاضر از ارائه خدمات فناوری بی‌سیم به‌عنوان عاملی مهم در گسترش سرعت و پوشش پهنای باند صحبت می‌شود، اما در اغلب کشورهای توسعه‌نیافته یا کمتر توسعه‌یافته به دلیل مسائل اقتصادی و فقدان قدرت خرید مردم، انگیزه کافی برای اقدام در این راستا وجود ندارد؛ زیرا موضوع اصلی در این کشورها، مقرون به صرفه بودن هزینه دسترسی به تجهیزات است. طبق گزارش‌های منتشر شده در سال ۲۰۲۰ در ۱۹ کشور کمتر توسعه‌یافته، قیمت ۵ گیگابایت اینترنت پهن باند ثابت بیش از ۲۰ درصد از درآمد ناخالص ملی سرانه ماهانه است (Charlene, 2022, p. 949). بنابراین، از یک سو قدرت خرید پایین در کشورهای کمتر توسعه‌یافته عاملی محدودکننده برای اتصال به اینترنت است و از سوی دیگر، اتصال به اینترنت برای بهره‌مند شدن از خدمات دیجیتال و کسب مهارت‌های سواد دیجیتال بسیار مهم است و نبود آن، به فقدان یا تضعیف مهارت‌های دیجیتال و البته کاهش میزان پذیرش ابزارهای دیجیتال منجر خواهد شد، موضوعی که می‌تواند آثار منفی بر زندگی و معیشت افراد داشته باشد. بنابراین، بهتر است در کنار توصیه بر لزوم دسترسی همگان به خدمات دیجیتال، از لزوم انجام تلاش‌های هماهنگ جهانی در راستای کاهش هزینه‌ها یا پیش‌بینی صندوق‌های حمایت مالی برای کشورهای دارای اقتصاد کمتر توسعه‌یافته، در راستای ارائه خدمات مالی با هدف افزایش میزان دسترسی به اینترنت در حکم مبنای اصلی در بهره‌مند شدن از خدمات دیجیتال صحبت شود.

۵-۲-۳. تأکید بر لزوم به اشتراک‌گذاری کالاهای دیجیتال^۲، بدون ارائه تعریفی مشخص از این کالاها و همچنین بدون توجه به حق مالکیت فکری پدیدآورندگان کالاها

کارشناسان سازمان ملل در پیشنهاد دوم خود، از لزوم تشکیل یک ائتلاف گسترده جهانی شامل کشورهای عضو سازمان ملل و با حمایت این سازمان به منظور به اشتراک‌گذاری کالاهای دیجیتال با هدف دستیابی به اهداف توسعه پایدار صحبت کرده‌اند، اما در متن پیش‌نویس، تعریف مشخصی از کالاهای دیجیتال یا حتی مصادیقی از این نوع کالا ارائه نشده است. شاید علت این است که کالای دیجیتال مفهوم و ابعاد گسترده‌ای

1. Broadband
2. Digital Public Goods

داشته و می‌تواند دامنه وسیعی از کالاها، محصولات یا خدمات نامشهود، مانند انواع نرم‌افزارها، کتاب‌های الکترونیکی، برنامه‌های کاربردی تلفن همراه، طرح گرافیکی و موارد مشابه را شامل شود. کالاها یا خدماتی که به دلیل ماهیت خاص خود در فضای مجازی قابلیت دانلود شدن دارند. وجود کالاها دیجیتال امری ضروری در استفاده کامل از قابلیت‌های فناوری دیجیتال است، اما نکته‌ای که ظاهراً تهیه‌کنندگان پیش‌نویس به آن توجه نکرده‌اند، مالکیت فکری پدیدآورندگان این نوع کالاهاست. در حال حاضر، تعداد کالاها دیجیتال با دسترسی باز در حال کاهش‌اند و در عمل، بسیاری از مفیدترین اطلاعات برخط به راحتی در دسترس نیستند. همچنین فارغ از بحث مالکیت فکری، دسترسی به بسیاری از کالاها دیجیتال، نیازمند وجود زیرساخت‌های ویژه است که در عمل، به دلیل فقدان این زیرساخت‌ها و فقدان پشتیبانی لازم، حتی اگر کالای دیجیتال دسترسی آزاد داشته باشد، باز هم قابلیت استفاده نخواهد داشت. دسترسی نداشتن به این کالاها، مانع بزرگی برای دستیابی به قابلیت‌های فناوری دیجیتال بوده و در نهایت به توسعه هرچه بیشتر شکاف دیجیتال میان جوامع مختلف منجر خواهد شد؛ بنابراین بهتر است به موازات تشویق و ترغیب به ارائه کالاها دیجیتال، به دو مسئله مهم نیز توجه شود. نخست، چگونگی تأمین و رعایت حق مالکیت فکری پدیدآورندگان کالاها دیجیتال؛ دوم، نحوه ایجاد و فراهم کردن زیرساخت‌های لازم برای بهره‌مندی از این کالاها. در غیر این صورت، بحث لزوم بهره‌مند شدن همگان از کالاها دیجیتال در حد یک شعار باقی خواهد ماند.

نتیجه‌گیری

آنچه مسلم است، علی‌رغم اهمیت بهره‌مندی سالمندان، به خصوص افراد بالای ۶۵ سال، از سواد دیجیتال هنوز نمی‌توان مدعی شد که چنین حقی در چهارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. به نظر می‌رسد که بتوان علت اتخاذ چنین نگرشی را به ناهماهنگی قواعد بین‌المللی با تغییرات رخ داده در عرصه تبادل اطلاعات و ارتباطات نسبت داد. در واقع، مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشری، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دوره‌ای به تصویب رسیده‌اند که هنوز بحثی به نام سواد دیجیتال و به طور کلی فناوری دیجیتال به شکل امروزی وجود نداشت و دغدغه اصلی کاهش بی‌سوادی، به ویژه سوادآموزی کودکان بود. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که به دلیل نبود آگاهی‌های لازم و وجود نگرش‌های کلیشه‌ای درباره نیازهای قشر سالمند، جامعه بین‌المللی مقابله با شکاف دیجیتال بین سالمندان و سایر اعضای جامعه را در اولویت سیاست‌گذاری‌های خود قرار نداده است، نگرشی که به نظر می‌رسد، کارشناسان سازمان ملل را نیز تحت تأثیر قرار داده است؛ زیرا ضمن فرار از بیان سواد دیجیتال، در حکم یک حق بشری و طرح آن در چهارچوب مسائل اجتماعی و اقتصادی، با بیان عبارت کلی افراد به حاشیه رانده شده، از اشاره مستقیم به قشر سالمند و توجه ویژه به نیازهای خاص آن‌ها از جمله مسائل مربوط به شرایط جسمی و ذهنی، که سالمندان را از سایر افراد دسته‌بندی شده در گروه به حاشیه رانده شده مجزا می‌کند، خودداری کرده و با بیان مجموعه‌ای از توصیه‌های کلی و فراگیر سعی کرده مسائل و مشکلات ناشی از شکاف دیجیتال را حل و فصل کند؛ تاجایی که به نظر می‌رسد برخلاف ادعای مطرح شده در فصل دوم پیش‌نویس، در عمل سالمندان گروه هدف نبوده و به حال خود رها شده‌اند. همچنین توصیه‌های ارائه شده در بخش آخر متن پیش‌نویس که با هدف مقابله با چالش‌های موجود در عصر دیجیتال، مدون گردیده‌اند، بسیار کلی، مبهم، آرمان‌گرایانه و به دور از واقعیت است. به عبارت دیگر، پیچیدن نسخه واحد برای حل یک چالش، بدون توجه به تفاوت‌های موجود میان شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع، راه‌حل مناسبی نبوده و در عمل محکوم به شکست خواهد بود. در این راستا، به نظر می‌رسد که باید اقدامات هماهنگ و مناسب به صورت هم‌زمان در سطح ملی و بین‌المللی، صورت گیرد. در وهله اول، با تقسیم کار میان کمیته‌های منطقه‌ای، در سطح سازمان ملل متحد و جمع‌آوری اطلاعات لازم در خصوص مسائل و مشکلات قشر سالمند، در جوامع مختلف با توجه به شرایط عصر حاضر، پیش‌نویسی در راستای تصویب کنوانسیون بین‌المللی در مورد تأمین، اجرا و حفاظت از حقوق سالمندان با هدف تصویب در جامعه بین‌المللی مدون شود، کنوانسیونی که می‌توان بخشی از آن را به موضوع سواد دیجیتال و حقوق سالمندان در این زمینه اختصاص داد؛ البته با توجه به تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در چهارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر در قبال شهروندان خود، به نظر می‌رسد که فارغ از تصویب یا عدم تصویب چنین کنوانسیونی، دولت‌ها

می‌توانند با تصویب مقررات قانونی لازم الاجرا، با توجه به شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی خود، در این زمینه گام‌های مؤثری بردارند. بنابراین پیشنهاد می‌شود که در چهارچوب نظام حقوق داخلی هر کشور، قوانین حاکم بر نظام آموزشی با توجه به شرایط موجود، یعنی پیشرفت فناوری، از جمله فناوری دیجیتال، بازنگری و درباره آن تجدید نظر شود؛ به نحوی که گستره نظام آموزشی از آموزش‌های ابتدایی و مبتنی بر روش‌های سنتی، به سمت آموزش‌های مدرن و هماهنگ با نیازهای روز حرکت کند. علاوه بر این، با اصلاح قوانین موجود یا تصویب قوانین جدید در حوزه سالمندان، به سمت تغییر نگرش‌های کلیشه‌ای به قابلیت‌ها و توانمندی‌های این قشر از جامعه حرکت کرده و با هماهنگی قانون‌گذاران برای تصویب بودجه‌های لازم، دوره‌های آموزشی در راستای افزایش مهارت سالمندان، برای فعالیت در فضای دیجیتال و انجام امور روزمره و ضروری زندگی، بدون نیاز به اطرافیان را برگزار کنند. در این راستا و با هدف کاهش هزینه‌ها می‌توان از امکانات ارگان‌های دولتی فعال در حوزه دیجیتال یا دانشگاه‌ها نیز کمک گرفت. برگزاری دوره‌های آموزشی و همچنین دریافت کمک‌های مالی از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد نیز تأثیر بسزایی در افزایش سطح مهارت‌ها از یک‌سو و کاهش هزینه‌های دولتی از سوی دیگر داشته باشد.

منابع

- حییبی، همایون (۱۳۹۵). حق بر حریم خصوصی در شبکه‌های اجتماعی. فصل‌نامه تحقیقات حقوقی، ۱۹(۷۵)، ۲۹-۶۴.
- رفیع‌زاده، ندا (۱۳۹۲). تأملی بر نقش فعال و مؤثر مراکز نگهداری روزانه سالمندان با رویکرد مقایسه‌ای ایران و آمریکا. مهندسی ساختمان و علوم مسکن، ۹(۱۹)، ۴۵-۵۸.
- عباسی، ابراهیم (۱۳۹۴). اجتماع‌گرایی به‌مثابه روش تحلیل: تلاشی برای بومی‌نگری در علوم اجتماعی. فصل‌نامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۷(۲)، ۲۳-۵۶.
- عرب‌زاده، مهدی (۱۳۹۵). فراتحلیل عوامل مؤثر در سلامت روان سالمندان. پژوهش در سلامت روان‌شناختی، ۲(۱۰)، ۴۲-۵۲.
- کاظم پوریان، سعید و عبدلی، سمانه (۱۳۹۵). سواد دیجیتال: راهکاری برای پوشش شکاف دیجیتال و پرورش شهروند دیجیتال. فصل‌نامه سیاست‌نامه علوم و فناوری، ۶(۴)، ۵۳-۶۴.
- معینی‌فر، محدثه (۱۴۰۱). الزامات شناسایی و استیفای حقوق در فضای دیجیتال. فصل‌نامه دانش حقوق عمومی، ۱۱(۳۶)، ۴۵-۶۸.
- Alper, M., & Goggin, G. (2017). Digital technology and rights in the lives of children with disabilities. *New Media & Society*, 19(5), 726-740.
- Ashraf, N. (2021). Working with the Private Sector for Sustainable Digital Transformation. *The European Centre for Development Policy Management (ECDPM), BRIEFING NOTE No. 136*, 1-14.
- Buyl, R. (2020). E-Health Interventions for Healthy Aging: A Systematic Review. *Systematic Reviews*, 9(1), 127-142.
- Caspi, A. (2019). Technology Makes Older Adults Feel Older. *Ageing Ment. Health*, 23(1), 1025-1030.
- Chao, J-Y. (2020). Learning Outcomes of Mobile and Tablet Application Courses for Taiwanese Older Adults. *Development on Information and Communication Technology (ICT) Engineering*, 34(2), 159-162.
- Charlene, H. Chu. (2022). Digital Ageism: Challenges and Opportunities in Artificial Intelligence for Older Adults. *Gerontologist*, 62(7), 947-955.
- Chu, C. H., & Biss, R. K. (2021). Exergaming Platform for Older Adults Residing in Long-term Care Homes: User-centered Design, Development, and Usability Study. *JMIR Serious Games*, 9(1), 1-18.
- Drydakakis, N. (2022). Improving Entrepreneurs' Digital Skills and Firms' Digital Competencies through Business Apps Training: A Study of Small Firms. *Sustainability*, 14(8), 1-23.
- Engel, A., & Salvador, C. (2018). Information and Communication Technologies and Students' Out-of-School Learning Experiences. *Digital Educ*, 33(1), 130-149.
- Eshet-Alkalai Y. (2019). You Can Teach Old Dogs New Tricks: The Factors That Affect Changes Over Time in Digital Literacy. *Journal of Information Technology Education*, 174(9), 173-181.

- Fang, M. (2019). Exploring Privilege in the Digital Divide: Implications for Theory, Policy, and Practice. *The Gerontologist*, 59(1), 1-5.
- Fischer, B. (2020). The Importance of User Involvement: A Systematic Review of Involving Older Users in Technology Design. *The Gerontologist*, 60(7), 513-523.
- Formosa, M. (2019). Active Ageing in the Fourth Age: the Experiences and Perspectives of Older Persons in Long-Term Care. *Geopolitical. Social Security and Freedom Journal*, 2(1), 78-92.
- Forsman, R. (2018). The Struggle of Older Persons for Digital Participation. *International Journal of Lifelong Education*, 37(3), 333-338.
- General Comment No. 6, The Economic, Social and Cultural Rights of Older Persons, Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), (08 /09/ 1995) Available online at: <https://www.refworld.org/docid/4a60961f2.html>. last visited:8/11/2023
- General Comment No. 25. On Science and Economic, Social and Cultural Rights (Art. 15.1.b, 15.2, 15.3 and 15.4) of International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (30 April 2020) UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), Available online at: <https://www.refworld.org/docid/4a60961f2.html>. last visited:8/11/2023.
- General Comment No. 4, Article 24: Right to Inclusive Education (25 November 2016) Committee on the Rights of Persons with Disabilities, Available online at: <https://www.ohchr.org/en/documents/general-comments-and-recommendations>. last visited:8/11/2023.
- General Comment No.13, The Right to Education (Art. 13) Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), (12/1999/10) Available online at: <https://www.refworld.org/docid/4a60961f2.html>. last visited:8/11/2023.
- Gordon, S. (2022). Ageism in the Family. Ageism in the Family. *The Center for Health and Aging Innovation Working Paper Series*, 20, 1-22.
- Grenier, A., Gontcharov, I., & Kobayashi, K. (2021). Critical Knowledge Mobilization: Directions for Social Gerontology. *Canadian Journal on Aging*, 40(2), 344-353.
- Lips, M. (2020). Understanding, Explaining and Self-evaluating Digital Inclusion and Exclusion among Senior Citizens. *Victoria University of Wellington, Series*, 10, 1-25.
- Mikołajczyk, B. (2023). Universal human rights instruments and digital literacy of older persons. *The International Journal of Human Rights*, 27(3), 403-424.
- Milan, S. (2020). Techno-solutionism and the Standard Human in the Making of the COVID-19 Pandemic. *Big Data & Society*, 5(1) 1-7.

- Mubarak, F.(2022). Elderly Forgotten? Digital Exclusion in the Information Age and the Rising Grey Digital Divide. *The Journal of Health Care Organization, Provision, and Financing* 59(2), 1–7.
- Pandey, N. (2020). Impact of Digital Surge during COVID-19 Pandemic: A Viewpoint on Research and Practice. *International Journal of Information Management*, 55(1), 1-6.
- Pangrazio, L. (2020). The Social Utility of Data Literacy. *Learning, Media and Technology*, 45(2), 208–220.
- Petryshyn, O. (2021). Human Rights in the Digital Age: Challenges, Threats and Prospects. *Journal of National Academy of Legal Sciences of Ukraine*, 28(1), 16-23.
- Puspitasari, L. (2016). Digital divides and mobile Internet in Indonesia: Impact of smartphones. *Telematics and Informatics*, 33(2), 472-483.
- Rahman, T. (2020). From Digital Literacy to Digital Intelligence, A Comparative Study of Digital Literacy Framework. *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, 518(1), 154-159.
- Rodrigues, R. (2020). Legal and Human Rights Issues of AI: Gaps, challenges and vulnerabilities. *Journal of Responsible Technology*, 4(1), 1-12.
- Rosales, A. (2020). Ageism in the era of digital platforms. *Convergence*, 26(5), 1074–1087.
- Schehl, B. (2020). Outdoor Activity among Older Adults: Exploring the Role of Informational Internet Use. *Educational Gerontology*, 46(91), 36-45.
- Singh, M. (2018). Digital Literacy: an Essential Life Skill In the Present Era of Growing and Global Educational Society. *Journal of Advances and Scholarly Researches in Allied Education*, 15(8), 62 – 67.
- Upadhyay, N. (2022). Demystifying blockchain: A Critical Analysis of Challenges. *Applications and Opportunities*. 54(2), 1-8.
- Villareal, M. G. (2018) .The Grey Digital Divide and the Right to Be Forgotten: An Inter-2015merican Approach. *Asia Pacific Journal of Health Law & Ethics*, 11(1), 75-92.
- Wang, J. (2019). Carceral Capitalism. *Semi text Intervention Series*, 2(21), 228–252.
- Wang, Y. L., Hou, H. T., & Tsai, C. C. (2020). A systematic literature review of the impacts of digital games designed for older adults. *Educational Gerontology*, 46(1), 1-17.